

بررسی اعجاز عددی قرآن کریم از نظر عبدالرزاق نوفل

حجت‌الاسلام دکتر محمد مهدی کریمی‌نیا*
عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

چکیده

در دهه‌های اخیر یکی از وجوه اعجاز قرآن کریم - معجزه همیشه جاوید - را اعجاز عددی برشمرده‌اند. عبدالرزاق نوفل یکی از شخصیت‌هایی است که پس از دکتر خلیفه (مصری) در کتب و مقالات متعدد خویش، مدعی وجود معجزه عددی قرآن، به عنوان یکی از وجوه اعجاز علمی قرآن است. در این نوشتار چستی و ابعاد اعجاز عددی قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفته است. به نظر می‌رسد که اعجاز عددی قرآن در موارد ادعا شده، نیاز به بررسی بیشتر دارد، زیرا ادعاهای یاد شده، در برخی موارد صحیح به نظر نمی‌رسد، از این‌رو می‌توان گفت: اعجاز عددی قرآن فقط در برخی از موارد ادعا شده پذیرفتنی است.

واژه‌های اصلی: قرآن، معجزه، اعجاز علمی، اعجاز عددی.

مقدمه

قرآن کریم، معجزه همیشه جاوید پیامبر(ص)، دارای ابعاد و جوانب مختلف است که یکی از این جنبه‌ها، «اعجاز علمی قرآن کریم» است و یکی از جنبه‌های اعجاز علمی، «اعجاز عددی قرآن کریم» است. منظور از اعجاز عددی قرآن کریم، شماره‌ها و اعدادی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در این کتاب آسمانی آمده که نشان‌دهنده نوعی نظم و چینش منطقی و شگفت‌انگیز است. به عبارت دیگر، اعجاز عددی عبارت از نظم در تعداد کلمات و حروفی است که برای مفهومی مشخص بیان شده است.

اعجاز عددی قرآن در عصر ما از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می‌باشد، زیرا در عصر علم محوری جهان کنونی، اگر اعجاز عددی قرآن برای جهانیان با معیارهای علمی بیان گردد، از این طریق، بسیاری از حقایق نهفته در قرآن برای اندیشمندان جهان که در صدد یافتن حقایق جهان هستی می‌باشند، ثابت می‌گردد و به واسطه آن، حقانیت قرآن و اسلام برای جهانیان آشکار می‌شود.

البته این به معنای تأیید صد در صد این نوع از اعجاز قرآن نیست و به نظر می‌رسد این وجه اعجاز هنوز نیاز به مطالعه بیشتری دارد.

برخی از نویسندگان از جمله « عبدالرزاق نوفل » از نویسندگان مصری در این زمینه فعالیت علمی قابل توجهی انجام داده است که در این مقاله، پس از بیان شرح حال وی، درباره دیدگاهش سخن به میان خواهد آمد.

شخصیت شناسی علمی عبدالرزاق نوفل

عبدالرزاق نوفل علی‌رغم آن که در بحث اعجاز عددی شخصیت شناخته شده‌ای است، اما دقیقاً تاریخ تولد، محل تحصیل و گرایش‌های فکری، اجتماعی و سیاسی وی روشن نیست. اولین کتاب وی به نام: «الدعوه الی الاسلام» است که در باره امر به معروف و نهی از منکر است و در سال ۱۹۷۰ میلادی و در حجم ۶۲ صفحه در مصر چاپ شد. وی دومین شخصیت پس از دکتر خلیفه است که بیش از اندازه بر اعجاز عددی متمرکز شده است. از نظر وی اعجاز قرآن کریم

دارای ابعادی است که یکی از آن ابعاد، «بعد اعجاز عددی قرآن کریم» است که با آن می‌توان وحیانی بودن این کتاب آسمانی را بر همگان ثابت کرد. نوفل علاوه بر تألیف کتاب‌های متعدد درباره اعجاز علمی و عددی قرآن کریم، مقالات متعددی نیز درباره اعجاز علمی قرآن کریم در مجلات به چاپ رسانده است. آثاری که از عبدالرزاق نوفل منتشر شده است عبارت است از:

الف. کتاب‌ها

۱. الاعجاز العددی للقرآن الکریم؛ ۲. الاسلام دین و دنیا؛ ۳. عالم جن و ملائکه؛ ۴. القرآن وعلم الحدیث؛ ۵. المسلمون و علم الحدیث؛ ۶. کیف و لماذا؛ ۷. الدعوه الی الاسلام؛ ۸. معجزه الارقام و الترقیم فی القرآن الکریم؛ ۹. الله و العلم الحدیث؛ ۱۰. الاسلام و العلم الحدیث؛ ۱۱. بین الدین و العلم؛ ۱۲. اسرار و عجب.

ب. مقالات

عبدالرزاق نوفل علاوه بر کتب، دارای مقالات کوتاه در بحث اعجاز علمی قرآن کریم است. این مقالات در مجلات مختلف از جمله مجله «منبر الاسلام» به چاپ رسیده که متأسفانه فاقد آدرس دقیق است، گرچه تمام این مقالات در پایگاه مقالات «نورمگز» (مرکز کامپیوتری علوم اسلامی نور) اخذ شده است، از جمله:

۱. «الإسراء والمعراج فی ضوء العلم الحدیث»، پیرامون اثبات مسأله معراج پیامبر اسلام (ص) از نظر علمی؛ ۲. «العلم یدعو الی الصوم»، پیرامون فواید روزه از نظر علم و طب جدید؛ ۳. «حقائق سبق بها القرآن الکریم علم الفلک»، راجع به کیهان‌شناسی از نظر قرآن کریم؛ ۴. «من اهداف الحج»، نویسنده در این مقاله به فواید و اهداف سفر حج اشاره می‌کند؛ ۵. «من آیات الفضا»، در این مقاله به آیاتی که به مسأله فضا و آسمان می‌شود اشاره می‌شود؛ ۶. «دراسات العلمیه فی القرآن الکریم»، به بررسی علمی در قرآن اشاره شده است؛ ۷. «وسائل الدراسه العلمیه فی القرآن الکریم»؛ ۸. «من المشاهدات العلمیه فی القرآن»؛ ۹. «الغزالی و علم النفس الحدیث».
- با توجه به عناوین مطرح شده، معلوم می‌شود که تمام مقالات نوفل درباره اعجاز علمی قرآن کریم است و هیچ مقاله‌ای از ایشان درباره اعجاز عددی قرآن کریم وجود ندارد. گویا ایشان پس از تحقیقات درباره اعجاز علمی به بحث

اعجاز عددی قرآن رهنمون شده است و این مطلب از مقدمه کتاب «الاعجاز العددی للقرآن» که توسط ایشان نگارش یافته نیز به دست می‌آید (رک: نوفل، عبد الرزاق، الاعجاز العددی للقرآن الکریم / ۴).

ج. کتب ترجمه شده از عبدالرزاق نوفل به فارسی

۱. معجزه اعداد در قرآن کریم، ترجمه اول از کتاب «الاعجاز العددی للقرآن الکریم»، مترجم: سعید همایون، ۱۳۸۳ش؛
۲. معجزه عددی قرآن کریم، ترجمه دوم از کتاب «الاعجاز العددی للقرآن الکریم»، مترجم: مصطفی حسینی طباطبایی؛
۳. جهان پریان و فرشتگان، ترجمه کتاب «عالم جن و ملائکه»، مترجم: محمد جواد خدا کرمی؛
۴. سه فریضه (نماز، روزه و حج)، ترجمه کتاب «کیف ولماذا؟»، مترجم: محمود ابراهیمی؛
۵. اسلام و علم جدید، ترجمه اول از کتاب «الاسلام والعلم الحدیث»، مترجم: احمد مام آقایی؛
۶. اسلام و علم جدید، ترجمه دوم از کتاب «الاسلام والعلم الحدیث»، مترجم: حسین وجدانی، تهران: پدیده، ۱۳۴۸ش؛
۷. قرآن خورشید دانش‌ها، مترجم: سید ابراهیم مکرری؛ تهران: احسان، ۱۳۸۳ش؛
۸. روز قیامت، مترجم: سید ابراهیم مکرری؛
۹. خداشناسی، مترجم: احمد مام آقایی؛
۱۰. قرآن بر فراز اعصار، مترجم: ابوالفضل بهرام پور و یحیی نوری. (متن عربی این کتاب توسط عبدالرزاق نوفل با همکاری «محمود شکیب» نگاشته شده است).

بررسی کتاب‌شناسی و آثار عبدالرزاق نوفل

عمده کتب و مقالات عبدالرزاق نوفل درباره معجزه علمی قرآن کریم است که در این بخش به توضیح دیدگاه‌های وی با توجه به کتب تألیفی ایشان پرداخته می‌شود:

۱- کتاب «الدعوه الی الاسلام»

همان‌طور که از نام این کتاب پیداست، در بیان راه‌های دعوت اسلامی است که در ۶۲ صفحه نگاشته شده است. گویا این کتاب اولین کتاب تألیفی نوفل می‌باشد که در سال ۱۹۷۰ میلادی به زیور طبع آراسته گشته است.

این کتاب کم حجم، در چهار قسمت تدوین یافته است. قسمت اول تحت عنوان: «دین و انسان» است. نوفل معتقد است که انسان از آغاز خلقت و در تمدن‌های باستانی مانند قدیم، یونان باستان و سایر مناطق دنیا، معتقد به دین بوده است. ایشان در قسمت دوم کتاب که تحت عنوان «تتابع ادیان» یا پی‌درپی بودن ادیان است، می‌نویسد: کثرت انبیا بر اوج رحمت الهی به انسان، دلالت دارد. تعداد ۱۲۴ هزار پیامبر برای بشر فرستاده شده است که ما تنها اسامی تعداد کمی از آنان را می‌دانیم و این پیامبران، یکی پس از دیگری به ارشاد و راهنمایی انسان‌ها پرداخته‌اند، تا در نهایت در سال ۵۷۰ م وظیفه ارشاد انبای بشر به پیامبر اسلام (ص) رسید (نوفل، الدعوه الاسلام / ۲۸-۳۲). ایشان در قسمت سوم کتاب که دارای عنوان: «اسلام دین عام» است اظهار می‌دارد که: پیامبر (ص) از آغاز به عنوان محمد امین شناخته می‌شد، چرا که مانند دیگران، بت را پرستش نکرد، تا به پیامبری مبعوث شد و ۶۲۳۶ آیه بر وی نازل شد و رسالت و دین وی جهانی بود و یکی از دلایل آن، این است که می‌بینیم وجوه اعجاز قرآن کریم همه انسان‌ها - علی‌رغم تفاوت فرهنگی آن‌ها - را اقناع می‌کند و هیچ کس نمی‌تواند مانند آن را بیاورد (نوفل، عبدالرزاق، الدعوه الاسلام / ۴۰ به بعد). در قسمت چهارم تحت عنوان: «دعوت اسلامی» نوفل می‌گوید: اگرچه دعوت اسلامی در ابتدا شامل عشیره و اقوام پیامبر (ص) بود ولی رسالت آن حضرت علنی و جهانی گشت و آن پیامبر بزرگ اصحاب خویش را به بلاد و مناطق دور دست برای دعوت اسلامی فرستاد، زیرا برای پادشاهانی مانند: نجاشی، هرقل و کسری نامه نوشت و آیین خود را به آنان عرضه کرد (نوفل، عبدالرزاق، الدعوه الاسلام / ۵۳-۵۵) و این دعوت اسلامی بعد از پیامبر توسط خلفا ادامه پیدا کرد و به آسیا و آفریقا، چین، ژاپن، جزایر فیلیپین و روسیه نیز گسترش یافت. این توسعه و نفوذ روز افزون اسلام مرهون چیزی نبود جز این که دین اسلام، حق بود و خداوند آن را تأیید می‌کرد.

آن‌گاه عبدالرزاق نوفل نتیجه می‌گیرد که بر هر یک از ما مسلمانان واجب است که به اخلاق اسلامی آراسته شویم و ریشه‌های این دین را در خانواده،

شاگردان و اطرافیان خود تعمیق بخشیم، همان طور که در جزایر فیلیپین اسلام به وسیله فردی وارسته، به نام «کریم مخدومی» گسترش یافت (نوفل، عبدالرزاق، الدعوه الاسلام/۵۹) و از این رهگذر اکنون ۳ میلیون نفر در فیلیپین مسلمان هستند. نوفل بالاخره نتیجه می‌گیرد، همان‌طور که مسلمانان صدر اسلام توانستند از طریق بیان و قوت استدلال، اسلام را توسعه دهند در عصر حاضر هم این امکان وجود دارد و این امر برای هر مسلمانی واجب است (نوفل، عبدالرزاق، الدعوه الاسلام/ ۶۰-۶۲).

۲- کتاب «کیف ... و لماذا؟»

این کتاب برخلاف بقیه آثار عبدالرزاق نوفل، به اعجاز علمی یا اعجاز عددی قرآن کریم مربوط نمی‌شود بلکه درباره چهار فریضه (نماز، روزه، زکات و حج) سخن گفته است. به طور کلی، این کتاب شامل یک مقدمه و شش فصل است. نوفل در مقدمه کتاب، می‌نویسد: علی‌رغم آن که فطرت انسانی خداجو است، با این حال، زمینه‌های انحراف نیز در او وجود دارد، به ویژه که در عصر جدید راه‌های انحرافی بسیار گشته و یهود و مسیحیت در ترویج عقاید و افکار باطل خویش تلاش فراوانی دارند. در این هنگام لازم است هر مسلمانی تلاش مجددانه‌ای داشته باشد تا مباحث اصلی اسلام را برای متقاضیانش، تبیین منطقی نماید. نویسنده در فصل اول، عقاید انحرافی و خرافی مسیحیت و یهود را به چالش می‌کشد و معتقد است که دین اسلام دین عقل سلیم بوده و با عقاید انحرافی مبارزه می‌کند (نوفل، عبدالرزاق، کیف... و لماذا/ ۱۸-۲۵). در فصل دوم می‌افزاید: اولین رکن از ارکان اسلام، ایمان به خدا است و کامل‌ترین عقیده در الاهیات اسلامی همان شهادت به یکتایی خداوند است و این که او فرد صمد است و شریکی ندارد (همان/ ۳۹). در فصل سوم نیز بیان می‌دارد که: نماز یکی از ارکان پنج‌گانه اسلام است (همان/ ۵۸)، آن‌گاه درباره سوره حمد و فرازهای آن توضیح می‌دهد و فواید مادی و معنوی آن را بیان می‌کند (همان/ ۶۸-۷۱). در فصل چهارم به این نکته اشاره می‌کند که قرآن کریم در ۳۲ آیه، به پرداخت زکات اشاره می‌کند (همان/ ۷۲). آن‌گاه به فلسفه زکات و امتیاز این عمل عبادی

اشاره می‌کند (همان / ۷۸-۸۵). در فصل پنجم، به روزه به عنوان یکی دیگر از ارکان دین اشاره می‌کند و معتقد است: روزه از زمان حضرت آدم(ع) تاکنون به عنوان یک واجب به عهده بندگان خدا بوده است (همان / ۸۶) و بالاخره عبدالرزاق نوفل در فصل ششم، به فریضه حج اشاره کرده و با توجه به روایت زیر از پیامبر اسلام(ص) آن را یکی دیگر از ارکان اسلام می‌شمرد: «شهاده ان لا اله الا الله وان محمدا رسول الله واقام الصلاه وایتاء الزكاه وصوم رمضان وحج البيت» (نوفل، عبدالرزاق، کیف... و لماذا / ۹۷).

۳- کتاب «روز قیامت»

ایشان در این کتاب مسأله عالم برزخ و روز قیامت را از جنبه قرآنی و علوم آزمایشگاهی، بیولوژی و فیزیولوژی به نحوی شایسته مورد بررسی قرار داده و با آوردن شواهد قرآنی و آزمایش‌های علمی و عملی و استنادات فلسفی و عقلانی و استدلال‌های عالمانه، مسائل مربوط به عالم برزخ و قیامت و تحقق وقوع آن روز را قطعی و حتمیت بخشیده و به اثبات رسانده است. برخی مباحث این کتاب از این قرار است: اسامی و صفات روز قیامت (ص / ۱۷-۲۵)؛ از مرگ تا قیامت (ص ۶۵-۱۱۳)؛ وقوع قیامت و رستاخیز چه وقت است؟ مسأله بهشت و جهنم و... (ص / ۱۱۴ به بعد).

۴- کتاب «الاسلام والعلم الحديث» (اسلام و علم جدید)

مؤلف در این کتاب به احتیاج بشر به ادیان در طول تاریخ و عصر کنونی اشاره می‌کند و بشر امروز را نیازمند اسلام دانسته و اتهاماتی را که دشمنان اسلام به رسول اکرم(ص) بیان داشته‌اند، به کلی مردود و بی‌اساس جلوه داده و به پاسخگویی از آن پرداخته است. ایشان سپس بحث خود را در اثبات اعجاز قرآن کریم، به عنوان معجزه رسول امین(ص) ادامه داده و به برخی از مزایای اسلام که توسعه و پیشرفت علم در عصر جدید از اسرار آن پرده برگرفته، اشاره کرده و خاطرنشان ساخته است که اسلام دین دانش و کار؛ دین کرامت و آزادی؛ تربیت و اخلاق؛ عفت و پاکدامنی؛ مساوات و عدالت؛ برادری و سلم و صفاست.

اسلام از نظر وی، دینی اجتماعی است، اجتماعی که سرشار از مهر، محبت و تعاون و همکاری خواهد بود. او به فواید طبی نماز و روزه اشاره می‌کند و بیان می‌کند که زکات و حج، علاوه بر تزکیه نفس موجب سلامتی جامعه نیز می‌گردد. این کتاب از نظر موضوع از یک سو کتابی است علمی، زیرا که مباحث آن غالباً تعبیر و تفسیری است که از لحاظ علمی بسیاری از امراض و طرق معالجه آن‌ها را نشان داده و از سوی دیگر، کتابی است دینی، به این معنا که فرایض و احکام اسلامی و هدف و منظور آن‌ها را به زبان علم تجربی تشریح می‌نماید. سپس خاطر نشان می‌سازد که اسلام دین دنیا و آخرت است. به عبارت دیگر، اسلام شریعتی است که در برنامه همه جانبه خود، هم به امور دنیوی توجه نموده و هم قوانین و نظامات اخلاقی که به تزکیه نفس و تعالی روحی انسان را سوق می‌دهد، را مطمح نظر قرار داده است.

بدیهی است که مهم‌ترین انگیزه نوفل در نگارش این کتاب، توسعه علوم و فنون است. وی می‌گوید: مهم‌ترین عاملی که عصر حاضر را از دیگر دوره‌ها متمایز ساخته است، توسعه و پیشرفت علم و دانش است. امروز تحقیقات دانشمندان از میدان مباحثات علمی دوران گذشته پا را فراتر نهاده و آهنگ سفر به سیارات دیگر را نموده و دامنه آن را به کرات دیگر سماوی و به کشف رموز و اسرار حیات نیز گسترش داده است» (نوفل، عبدالرزاق، اسلام و علم جدید / ۲۴).

نوفل در این کتاب، اشاره ای دارد به نبوغ مسلمین در طی قرون آغازین اسلامی در علوم مختلف مثل: شیمی، طب، روان‌شناسی، گیاه‌شناسی، تاریخ، جغرافیا و... (همان / ۴۵ به بعد). ایشان این شکوفایی را نتیجه پاسخ مثبت مسلمانان به دعوت اسلام و پیامبر اکرم(ص) در کسب علم و دانش و تلاش می‌داند (همان / ۳۱).

اعجاز عددی از دیدگاه عبدالرزاق نوفل

کتاب «الاعجاز العددی للقرآن‌الکریم»، مهم‌ترین کتاب نوفل در بحث معجزه عددی قرآن کریم است. از آن جایی که این مقاله با تأکید بر بحث اعجاز عددی قرآن کریم است، از این رو به بررسی بیشتر این موضوع می‌پردازد.

الف. انگیزه نوفل از تدوین کتاب الاعجاز العددی

وی درباره انگیزه تالیف این اثر می‌نویسد: یکی از نشانه‌های توفیقات خداوند در سال ۱۹۵۹م. هنگامی که در صدد نوشتن کتاب «الاسلام دین و دنیا» (اسلام آئین دنیا و آخرت) بودم، متوجه آیاتی در قرآن کریم شدم که در آن‌ها لفظ «دنیا» به اندازه لفظ «آخرت» تکرار گردیده بود. نیز در سال ۱۹۶۸م. در تحقیقاتم برای کتاب «عالم جن و ملائکه» (جهان فرشتگان و پریان) بار دیگر، مشاهده نمودم که کلمه «شیطان» به اندازه کلمه «ملائکه» تکرار گردیده است. البته من نمی‌دانستم که این هماهنگی و نظم در کل قرآن کریم است، زیرا در هر موضوعی که تحقیق می‌کردم، تعجبم افزوده می‌شد. تعجب در اعداد، ارقام و نظم در کلمات الهی؛ چه موضوعاتی که مثل یکدیگر بودند و یا موضوعاتی که در تضاد و تقابل با یکدیگر قرار داشتند و یا موضوعاتی که با یک دیگر مرتبط بودند، اعجاب آور بود (نوفل، عبد الرزاق، الاعجاز العددی للقرآن الکریم/۴).

ب. معجزه بودن اعداد در قرآن

از نظر نوفل اعداد در قرآن معجزه بود. این اعجاز، فوق قدرت بشری است و بالاترین قدرت را می‌طلبد و از حیثه قدرت و عقل بشر بسی دور است (همان/۴). نوفل می‌گوید: «این چیزی که من بدان رسیده‌ام، نتایج تحقیق و تفحص در چند لغت است، اما در مورد سایر لغات که بالغ بر ۵۱۹۲۴ کلمه می‌رسد، چه باید گفت؟! در این موضوع باید تحقیق بیش‌تر و دقیق‌تری کرد (همان/۴).

ج. عناوین مورد بررسی نوفل

عناوین و مدخل‌هایی که مورد بررسی نوفل قرار گرفته است متعدد و متنوع می‌باشد که در کل، فاقد دسته‌بندی و شیوه خاصی است، ولی واژه‌ها و اصطلاحات را عمدتاً به صورت دو تایی مورد مقایسه قرار داده است؛ مثل: «دنیا - آخرت»؛ «شیاطین - ملائکه» و «حیات - مرگ». در موارد نادر واژه‌ها به صورت سه تایی مورد مقایسه قرار گرفته است؛ مانند: «اصنام، خمر، خنزیر»؛ «علم، معرفت، ایمان» و حتی برخی واژه‌ها را به صورت چهارتایی مطالعه نموده است؛ مانند: «حرث، زراعت، فاکهه، عطا».

د. انواع تناسب بین اعداد از نظر نوفل

توجه به این نکته ضروری است که منظور نوفل از اعداد و ارقام در این گونه پژوهش‌ها، تنها اعداد و ارقامی نیست که قرآن کریم بدان اشاره کرده است؛ چه بسا، اساساً این گونه اعداد، مورد نظر پژوهش‌گران این شاخه از علوم قرآن (یعنی اعجاز عددی) نباشد، بلکه مراد تعداد کلمات همانند هم، مرتبط با هم و یا نقیض هم‌اند (همان / ۸۶). کلمات همانند هم مانند: «شجر - نبات». کلمات مرتبط با هم مانند: «صلوات، نجات»؛ «طهر (پاکی)، خالص»؛ «دوزخ (جهنم)، عقوبت (کیفر)» و کلمات متضاد با هم مانند: «حیات، موت»؛ «سود، زیان (فساد)»؛ «صیف (تابستان)، حر (گرما)»، هریک ۵ بار در قرآن تکرار شده است؛ «شتاء (زمستان)، برد (سرما)»، هریک ۵ بار تکرار شده است.

نکته دیگر در پژوهش نوفل این است که در شمارش کلمات، گاه عین یک کلمه مورد شمارش و مقایسه قرار می‌گیرد؛ مانند: «الدنیا» (۱۱۵ مرتبه)؛ «الآخره» (۱۱۵) و در مواردی کلمات مشابه و مشتقات هم، مورد شمارش قرار می‌گیرد؛ مانند: شیطان‌ها (۸۸ مرتبه) و فرشتگان (۸۸ مرتبه)؛ به دین صورت:

شیطان‌ها

- | | |
|----------------------------|----------|
| ۱. الشیطان (شیطان) | ۶۸ مرتبه |
| ۲. الشیاطین (شیطان‌ها) | ۱۷ مرتبه |
| ۳. شیطانا (شیطانی) | ۲ مرتبه |
| ۴. شیاطینهم (شیطان‌هایشان) | ۱ مرتبه |

جمع: ۸۸ مرتبه

فرشتگان

- | | |
|--------------------------|----------|
| ۱. الملائکه (فرشتگان) | ۶۸ مرتبه |
| ۲. ملک (فرشته) | ۱۰ مرتبه |
| ۳. ملائکه (فرشته‌های او) | ۵ مرتبه |
| ۴. ملکا (فرشته‌ای) | ۳ مرتبه |
| ۵. ملکین (دو فرشته) | ۲ مرتبه |

جمع: ۸۸ مرتبه

(رک: همان، ص ۸ - ۹).

نوفل می‌گوید: واژه «کفر» با مشتقاتش ۲۵ مرتبه به کار رفته است؛ به این صورت:

- | | |
|---------|----------|
| ۱. کفر | ۱۷ مرتبه |
| ۲. کفرا | ۸ مرتبه |

جمع: ۲۵ مرتبه

و واژه «ایمان» با مشتقاتش ۲۵ مرتبه در قرآن کریم آمده است؛ به این صورت:

- | | |
|------------|----------|
| ۱. الایمان | ۱۷ مرتبه |
| ۲. ایمانا | ۷ مرتبه |
| ۳. ایمان | ۱ مرتبه |

جمع: ۲۵ مرتبه

آن‌گاه نوفل می‌گوید: با آن که کلمه (کفر و ایمان) به یک اندازه تکرار شده است، ولی از نظر مشتقات، با هم تفاوتی فاحش دارند. وی معتقد است که کلمه «ایمان» با مشتقاتش ۸۱۱ مرتبه تکرار گردیده و کلمه «کفر» با مشتقاتش ۵۰۶ مرتبه تکرار گردیده و کلمات مترادف آن که «ضلال» است با مشتقاتش ۱۹۱ مرتبه تکرار گردیده که مجموع این دو (کفر و ضلال) ۶۹۷ مرتبه می‌شود که اگر این عدد از ۸۱۱ کسر گردد ۱۱۴ باقی می‌ماند که این عدد، تعداد سوره‌های قرآن کریم است. نوفل نتیجه می‌گیرد که فرق بین «کفر» و «ایمان» تعداد سوره‌های قرآن است؛ یعنی «ایمان»، در عمل به قرآن است.

نوفل نوع دیگری از اعجاز عددی را این گونه بیان می‌کند: کلمه «الرحمن» که از نام‌های نیک خداوند است ۵۷ مرتبه در قرآن تکرار گردیده؛ مانند: (الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى) (طه/ ۵)؛ اما کلمه «الرحیم» ۹۵ مرتبه تکرار شده؛ مانند: (إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا) (نساء/ ۱۶)؛ در صورتی که ۱ مرتبه آن صفت برای پیغمبر گرامی اسلام (ص) است: (لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ) (توبه/ ۱۲۸). نتیجه از نظر نوفل این است که کلمه «رحیم» که برای خداوند متعال به کار رفته ۱۱۴ مرتبه و دو برابر کلمه «رحمن» (۵۷ مرتبه) است. عجیب این که عدد ۱۱۴ به تعداد سوره‌های قرآن است (همان/ ۱۰۹).

مثال دیگری از نظم عددی در قرآن کریم از نظر عبدالرزاق نوفل واژه «الفجار» (فاسقان) است که ۳ مرتبه در قرآن تکرار شده؛ مانند: (وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ) (انفطار/۱۴)؛ در حالی که واژه «ابرار» (نیکان) که متضاد «فجار» است ۹ مرتبه تکرار گردیده است؛ مانند: (كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلِيٍّ) (مطففین/۱۸) و این لفظ سه برابر واژه قبل است (همان/ ۱۰۹).

مثال دیگر از نظر نوفل واژه «العسر» (سختی) است که با مشتقاتش ۱۲ مرتبه تکرار گردیده و تمام لغات به معنای: تنگی، سختی و مشکل آمده است، اما واژه «اليسر» (راحتی و آسانی) که متضاد کلمه قبل است ۴۱ مرتبه تکرار گردیده که ۵ مرتبه آن، به معنای قدرت و استطاعت داشتن است که اگر از ۴۱ کسر شود، عدد ۳۶ باقی می ماند که سه برابر عدد کلمه «عسر» است.

نمونه دیگر، آن که در قرآن از هفت آسمان (سبعه سموات) نام برده شده است (بقره/ ۲۹)؛ (اسراء/ ۴۴)؛ (مؤمنون/ ۸۶)؛ (فصلت/ ۱۲)؛ (طلاق/ ۱۲)؛ (ملک/ ۳)؛ (نوح/ ۱۵).

و نیز هنگامی که از آفرینش و خلقت آسمان و زمین در ۶ روز سخن به میان می آید، کلمات آسمان و زمین را ۷ مرتبه تکرار می کند؛ مانند آیات: (اعراف/ ۵۴)؛ (یونس/ ۳)؛ (هود/ ۷)؛ (فرقان/ ۵۹)؛ (سجده/ ۴)؛ (ق/ ۳۸)؛ (حدید/ ۴).

آن گاه عبدالرزاق نوفل می گوید: کلمه «صف» و مشتقاتش برای هنگامی که مخلوقات در برابر خداوند متعال صف می کشند و حاضر می شوند نیز ۷ مرتبه تکرار شده است: (کهف/ ۴۸)؛ (غاشیه/ ۱۵)؛ (صافات/ ۱)؛ (نبأ/ ۳۸)؛ (فجر/ ۲۲) - دو بار کلمه صف در یک آیه - (طور/ ۲۰).

و در جای دیگر خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرماید: ما به تو «سبع المثانی» را عطا کردیم: (وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ) (حجر/ ۸۷).

و نیز می فرماید: کسانی که به اندازه دانه ای از اموالشان را در راه خدا انفاق کنند، ۷ خوشه برداشت می کنند؛ مانند: (مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ) (بقره/ ۲۶۱).

و نیز قرآن فرموده که برای دوزخ هفت در مهیا گردیده: (لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِّكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ) (حجر/۴۴) و اولین سوره قرآن کریم «فاتحه الكتاب»، دارای هفت آیه است و کلمات شهادت به یگانگی خداوند و رسالت پیامبر(ص) هفت کلمه است: «لا اله الا الله محمد رسول الله».

هـ. هماهنگی در شمارش حروف

از نظر عبدالرزاق نوفل این هماهنگی و تساوی نه تنها در تعداد کلمات است، بلکه در تعداد حروف هم وجود دارد؛ مثلاً مأموران و نگهبانان دوزخ که فرشتگان می‌باشند، تعدادشان ۱۹ نفر است: (عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ) (مدثر/۳۰)؛ «که نوزده (فرشته) بر آن (گماشته) است». نیز (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) که سوره‌های قرآن جز سوره توبه، با آن شروع می‌شود، دارای ۱۹ حرف است (ب، س، م، ا، ل، ه، ا، ل، ر، ح، م، ن، ا، ل، ر، ح، ی، م).

و نیز کلمه صلوات (دعا و نماز) ۹۹ مرتبه در قرآن تکرار شده که به اندازه اسم‌های نیک خداوند (همان اسماء حسنی) تکرار گردیده است (همان/ ۱۱۲).

و. موضوع چند برابری در معجزه اعداد

از دیدگاه مؤلف، از جمله تناسب‌ها و هماهنگی‌های عددی که در قرآن کریم یافت می‌شود، موضوع چند برابری‌هاست. در قرآن، واژه‌هایی وجود دارند که دو یا چند برابر یک‌دیگر به کار رفته‌اند و تمام آن‌ها از روی ترتیب و قصد بوده است؛ مانند: کلمه «دنیا» و «آخرت» هر کدام ۱۵ بار در قرآن آمده‌اند. تساوی واژه «نفع» و «فساد» هر کدام با تمام مشتقاتشان ۵۰ بار ذکر شده‌اند. «عقل» با تمام مشتقاتش ۴۹ بار و «نور» نیز با تمام مشتقاتش به همین تعداد آمده است. «لسان» و «موعظه» هر کدام ۲۵ بار و «زکات» و «برکات» هر کدام ۳۲ بار، «کافرین» و «نار» هر کدام ۱۵۳ بار آمده‌اند. «رحیم» که از اسماء حسنی می‌باشد، به جز در یک مورد که صفت رسول اکرم(ص) قرار گرفته است ۱۴ بار (به تعداد سوره‌های قرآن) و «رحمان» نیز از اسمای حسنی است ۵۷ بار آمده‌اند. «فجار» ۳ بار و «ابرا» ۶ بار آمده است. «یوم» (به صورت مفرد) ۳۶۵ بار (به تعداد روزهای سال) و به صورت مثنی (یومین) و جمع (ایام) ۳۰ بار و کلمه شهر (ماه) ۱۲ بار تکرار شده است (همان/ ۱۹-۲۳۴).

ز. نمونه‌هایی از اعجاز عددی از نظر عبدالرزاق نوفل

۱. شهر (ماه)

قرآن کریم می‌فرماید: (إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ) (توبه/ ۳۶)؛ «در حقیقت، تعداد ماه‌ها نزد خدا [از] روزی که آسمان‌ها و زمین را آفریده، در کتاب الهی، دوازده ماه است که از آنها چهار [ماه] حرام است».

و خداوند کلمه «شهر» (ماه) را ۱۲ مرتبه در قرآن تکرار کرده است؛ یعنی:

کلمه «شهر» (ماه) ۱۰ مرتبه

کلمه «شهر» (ماهی) ۲ مرتبه

۲. یوم (روز)

کلمه «یوم» در قرآن ۳۶۵ بار تکرار گردیده است به این صورت که: الیوم (امروز) ۳۴۹ مرتبه مانند: (الْيَوْمَ أَحْلَلْ لَكُمْ الطَّيِّبَاتِ) (مائده/۵)؛ یوم (روزی) ۱۶ مرتبه مانند: (وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ) (بقره/۲۸۱) که ۳۶۵ روز ۱۲ ماه می‌شود.

نیز کلمه «ایام» (روزها) به صورت جمع ۲۳ مرتبه آمده؛ مانند: (وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ) (بقره/۲۰۳)؛ و کلمه «ایام» (روزهایی) ۴ مرتبه آمده؛ مانند: (سِيرُوا فِيهَا لِيَالِيَّ وَأَيَّامًا آمِنِينَ) (سبأ/۱۸) و به صورت تثنيه «یومین» (دو روز) ۳ مرتبه تکرار شده است؛ مانند: (فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ) (بقره/۲۰۳) که مجموع این‌ها ۳۰ روز می‌شود: (۳۰=۳+۴+۲۳)؛ یعنی یوم (روز) ۳۶۵ مرتبه به اندازه یک سال و جمع و تثنيه آن ۳۰ مرتبه به اندازه یک ماه به کار رفته و ماه ۱۲ مرتبه، به اندازه یک سال تکرار گردیده است. (همان/ ۲۵۰-۲۵۱).

۳. چشم ظاهر و باطن - قلب و دل

عبدالرزاق نوفل معتقد است که کلمه «البصیر» (چشم ظاهر) و «البصیره» (چشم باطن) ۱۴۸ مرتبه در قرآن تکرار شده است و کلمه «قلب» و «فؤاد» (دل) روی هم ۱۴۸ تکرار شده است (همان/ ۱۹-۲۴).

۴. نفع و فساد

«نفع» همراه با مشتقاتش ۵۰ بار تکرار شده است و لفظ «فساد» (زیان) نیز همراه با مشتقات آن ۵۰ بار تکرار شده است (همان/ ۲۵-۲۸).

۵. بعث و صراط

«بعث» در لغت به معنای زنده شدن مردگان توسط خداوند متعال و برانگیخته شدن انسان‌ها برای حساب در روز قیامت است. «بعث» به این معنا و همراه با مشتقات آن و کلمات مرادف آن ۴۵ بار در قرآن تکرار شده است. نیز «صراط» (راه) با مشتقات آن ۴۵ بار تکرار شده است. البته در «صراط»، مترادفات و کلمات هم معنا مراد نیست.

۶. «سیئات» (بدی‌ها) - «صالحات» (خوبی)

در قرآن کلمه «صالحات» (خوبی‌ها) ۱۸۰ مرتبه تکرار شده است که ۹ مورد آن اسم علم برای حضرت صالح (ع) است. ۴ مورد آن مرفوع «صالح» (با ضمه) و ۵ مورد آن منصوب «صالحا» و در ۴ مورد هم این لفظ به معنای معالجه آمده که اگر این مورد که عدد ۱۳ می شود را کم کنیم، کلمه «صالحات» ۱۶۷ مرتبه تکرار شده است (همان / ۳۵-۳۶).

۷. جحیم (جهنم) - عقاب (کیفر)

جحیم ۲۶ مرتبه در قرآن آمده، به این صورت:

الجحیم (دوزخ)	۲۵ مرتبه
جحیما (دوزخی)	۱ مرتبه

۲۶ مرتبه

کلمه «عقاب» (کیفر) همراه با مشتقاتش نیز ۲۶ بار تکرار شده است؛ به این صورت:

العقاب	۱۷ مرتبه
عقاب	۳ مرتبه
عاقبتم	۲ مرتبه
فعاقبوا	۱ مرتبه
عوقبتم	۱ مرتبه
عاقب	۱ مرتبه
عوقب	۱ مرتبه

۲۶ مرتبه

۸. صوم - صبر

نوفل می‌گوید: کلمه «الصوم» (روزه) با مشتقاتش ۱۴ مرتبه در قرآن کریم تکرار شده است. کلمه «صبر» (بردباری) نیز ۱۴ مرتبه در قرآن آمده است. (همان / ۱۵۴).

۹. عقل - نور

نوفل می‌نویسد: واژه «عقل» (دانایی) و مشتقات آن مانند: «تعقلون» و «يعقلون» ۴۹ مرتبه در قرآن آمده است. واژه «نور» و مشتقاتش مانند: (بنورهم، منیرا، نورکم) نیز ۴۹ مرتبه آمده است (همان / ۱۵۶).

۱۰. ضیق - طمأنینه

کلمه «ضیق» (تنگنا) با مشتقاتش مانند: (ضاقت، ضاق و یضیق) ۱۳ مرتبه در قرآن کریم تکرار شده است. همچنین کلمه «طمأنینه» (آرامش) همراه با مشتقاتش مانند: (تطمئن، مطمئن) ۱۳ مرتبه آمده است (همان / ۶۰).

ح. نتیجه‌گیری عبدالرزاق نوفل از معجزه اعداد

برخی از مهم‌ترین مواردی که نوفل از تحقیقات خویش استنتاج می‌کند عبارتند از:

۱. تصادفی نبودن

نوفل معتقد است: ممکن نیست این تناسب اعداد و ارقام به صورت تصادفی یا رخدادی کور و حادثه‌ای ناگهانی باشد. کدام قدرت و توانایی بشری و یا ابزار و مسائل حسابگر و شمارشگر یا مغزهای الکترونیکی می‌تواند اعداد الفاظ را به طور تساوی اندازه‌گیری کند و آن گاه به صورت الفاظ و کلمات در موضوع‌های گوناگون جدا جدا و دور از هم در بین شش تا هفت هزار آیه پراکنده سازد. (همان / ۱۰۷)، به همین خاطر، قرآن از ما می‌خواهد که در آیات آن اندیشه کنیم و در جهات مختلف اعجاز آن به فکر بنشینیم. قرآن به ما می‌گوید: این کتابی است با برکت بر تو فرو فرستادیم تا در آیات آن اندیشه کنند و خردمندان بیدار گردند. آیا در قرآن تفکر نمی‌کنند، یا این که بر دل‌ها قفل نهاده شده است.

نوفل همچنین می‌افزاید: آیا می‌توان پذیرفت این نظم و هماهنگی تصادفی است؟ قطعاً تصادفی بودن مخلوقات، با ایمان تضاد دارد، زیرا در آفرینش خداوند همه چیز مقدر و مقرر شده است و دارای نظم خاص است نه این که به صورت حادثه، پدید آمده باشد، لذا تصادفی بودن اعجاز عددی کاملاً مردود است (همان/ ۲۵۳).

۲. عدم دستیابی بشر به کنه اعداد اعجازی قرآن

نوفل معتقد است: پرداختن به این هماهنگی‌های عددی، تساوی‌ها و نسبت‌ها احتیاج به مطالعات کافی برای هر موضوع دارد که تلاش و عمر یک شخص، شاید جوابگوی قسمتی از آن باشد (همان/ ۱۱۲).

۳. تناسب در همه خلقت و آفرینش

مؤلف معتقد است که قطعاً این تناسب‌ها و هماهنگی‌ها صفتی است که در تمام آن چه خداوند خلق کرده، حکم فرماست و این تساوی از همان ابتدا در خلقت صورت گرفته و بی‌تردید در مخلوقات نظم و آراستگی کاملی مشاهده می‌شود. از هسته اتم گرفته تا تناسب‌های دقیق و کاملی که بین سایر مخلوقات مانند: منظومه شمسی و آنچه در کره خاکی و ستارگان و کهکشان‌های بزرگ و سیاره‌ها مشاهده می‌شود، همه اعداد و سرعت‌های خاصی را دنبال می‌کنند. علم و دانش از راه تجزیه و تحلیل و پی‌گیری و تصویربرداری دریافته که آنچه در مخلوقات هست، همه بدون هیچ‌کم و زیادی دارای هماهنگی است، چنان‌که قرآن می‌فرماید: (مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَٰوُتٍ) (ملک/۳)؛ «هیچ تفاوتی (تناقض‌گونه) در آفرینش (خدای) گسترده‌مهر نمی‌بینی».

توازن و هماهنگی در اجزای مخلوقات نیز وجود دارد، هم‌چنان که قرآن می‌فرماید: (وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ) (حجر/۱۹)؛ «و زمین را گستراندیم؛ و در آن [کوه‌های] استواری افکندیم؛ و از هر چیز متناسبی در آن رویاندیم» (همان/ ۱۱۳).

۴. تناسب عددی نشانه و حیانی بودن آیات الهی

وی معتقد است که آنچه از قرآن تشخیص داده می‌شود، آن است که تساوی و هماهنگی و تناسب‌های عددی چنان برقرار است که اگر تمام انسان‌ها و فرشتگان متحد شوند، از آوردن آن عاجزند. آیا قرآن حقیقتاً با این همه حقایق و راستی‌ها و مطالب یقینی، چیزی جز وحی است که بر خاتم پیامبران، نازل شده است؟ این توازن و تناسب (اعجاز عددی)، پرده جدیدی از سایر اعجاز است که در قرآن است که انسان را به تفکر و تعقل و تدبر وا می‌دارد (همان / ۹۳). آیا می‌توان گفت که این، زاییده افکار پیامبری است که درس نخوانده بوده است؟ اگر دانشمندان هم جمع شوند و از تمام امکانات و وسائل مدرن هم بهره ببرند نمی‌توانند به چنین کاری دست پیدا کنند (همان / ۲۵۱).

۵. عدم وجود اختلاف و تأویل در اعجاز عددی

نوفل بیان می‌کند که اعجاز عددی، معجزه‌ای است که در آن اختلاف رأی و نظر وجود ندارد. او می‌افزاید این نظریه، به بحث و جدل منجر نمی‌شود و احتیاج به تأویل و تفسیر ندارد، زیرا اعداد و ارقام دارای حقایق قطعی و ثبت شده‌اند: (قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَكُوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً) (اسراء / ۸۸)؛ «بگو: «اگر انسان[ها] و جن[ها] جمع شوند، بر این‌که همانند این قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد؛ و اگر چه برخی از آنان، پشتیبان برخی [دیگر] باشند» (همان / ۹۴).

و شاید آن چه گفته شد، اشاره باشد به قسمتی از آن چه قرآن می‌فرماید: (اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ) (شوری / ۱۷)؛ «خدا کسی است که کتاب را به حق فر فرستاد».

۶. مطلق بودن معجزه قرآن کریم

عبدالرزاق نوفل در پایان کتاب به این آیه استدلال می‌کند: (وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ)

(بقره/۲۳)؛ «و اگر از آنچه بر بنده خود (پیامبر) فرو فرستادیم، در تردید هستید، پس اگر راست می‌گویید سوره‌ای همانندش بیاورید و گواهانتان را، که جز خدایند، فرا خوانید».

نوفل معتقد است که مطلق بودن این آیه، تمام اعجازهای قرآن را در بر می‌گیرد؛ خصوصاً اعجاز عددی، چون اگر همه مردم جمع شوند نمی‌توانند مانند آن را بیاورند. آیه ذیل هم دلالت دارد که هرگز چنین کاری عملی نخواهد شد: (فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ)؛ (بقره/۲۴) «و اگر (چنین) نکرديد - و (هرگز) نخواهيد کرد - پس [خود را] از آتشی نگه داريد که هيضم آن مردم و سنگ‌ها هستند، در حالی که برای کافران آماده شده است».

ط. بررسی نهایی و ارزیابی دیدگاه نوفل در بحث معجزه علمی و عددی

نوفل معتقد است که اعجاز علمی قرآن کریم و از جمله اعجاز عددی آن، برای غیر اعراب است، چون این راهی است که از طریق آن می‌توان غیر عرب‌ها را به اسلام دعوت کرد (نوفل، عبدالرزاق، القرآن والعلم الحديث / ۲۶). نوفل کوشش می‌کند بین نظریات اثبات نشده علمی و اثبات شده فرق بگذارد و مدعی است، اعجاز قرآن را با علوم مدلل و ثابت شده تفسیر می‌کند.

بررسی و نقد

در مواردی عبدالرزاق نوفل گرفتار تفسیر به رأی شده و سخنانی بیان داشته است که به هیچ وجه قابل قبول نیست. برای مثال در ذیل آیه شریفه: (هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا) (اعراف/۱۸۹)؛ «او کسی است که شما را از یک شخص آفرید؛ و از او همسرش را قرار داد»؛ نوفل می‌گوید: نفس واحده همان پروتون و زوج آن الکترون است (!) و این دو عنصری است که ذره از آن‌ها ترکیب شده است (!) سپس این را دلیل اعجاز علمی قرآن می‌شمارد (همو، القرآن و العلم الحديث / ۱۵۶). عبدالرزاق نوفل می‌گوید: دانشمندان گفته‌اند که بار مثبت

و منفی در پروتون و الکترون و مساوات آن‌ها موجب می‌شود تا اتم باقی بماند و توازن و تعاون و سکون آن حفظ شود و هر اختلاف کوچکی در آن‌ها، موجب نابودی اتم می‌شود و این حقیقت را قرآن در آیه ۱۸۹ سوره اعراف بیان داشته است که سبب سکون نفس را زوج او قرار داده است (!) و این همان است که علم در مورد بار پروتون و الکترون می‌گوید (همان/ ۱۵۶-۱۵۸).

در مورد نقد سخن فوق باید گفت: «نفس» در هیچ لغت نامه و اصطلاح نامه‌ای به معنای «پروتون» نیامده است و «زوج» هم به معنای «الکترون» نیست، ولی این نویسنده برای اثبات نظریات علمی خود از منظر آیات قرآن این گونه معنایی را بر آیات حمل کرده است. ممکن است این گونه افراد با حسن نیت و یا قصد اثبات اعجاز قرآن چنین تفسیر کرده باشند، ولی این عمل، «تفسیر به رأی» است و گوینده آن ممکن است خود را دچار عذاب الهی کند (رک: رضایی، محمد علی، درآمدی بر تفسیر قرآن/ ۳۵۶).

مثال دیگر از تفسیر به رأی عبدالرزاق نوفل در مورد این آیه است: (وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ) (نمل/ ۸۲)؛ «و هنگامی که گفتار (= فرمان عذاب) بر آنان واقع شود، (و در آستانه رستاخیز قرار گیرند)، جنبنده‌ای را از زمین برای آنان بیرون می‌آوریم».

نوفل معتقد است که این دابه (جنبنده)، همان «قمرهای مصنوعی» است که از زمین خارج می‌شوند و از آن سخنان الحادآمیز گفته می‌شود!! (رک: نوفل، عبد الرزاق، القرآن و العلم الحدیث/ ۲۱۲ - ۲۱۶).

یکی از اشکالات عمده‌ای که به اعجاز عددی قرآن وارد است، این است که این ادعاها در رابطه با رسم الخط فعلی قرآن صورت گرفته، در حالی که آن چیزی که مطرح است، نوع تلفظ آن است، چرا که قرآن از زمانی که به نگارش در آمده، تا امروز یکسان تلفظ شده است، اما رسم الخط آن متحول شده است. امروز الف زینت به واژه‌ها اضافه شده و حروف زیادی اضافه شده است. اگر بحث اعجاز بر پایه آنچه تلفظ می‌شود، مطرح شود، قابل بررسی است، اما این رسم الخط ممکن است در آینده نیز تغییر کند.

برخی اشکالات به دیدگاه عبدالرزاق نوفل در بحث اعجاز عددی

۱. انحراف از مقاصد قرآن

قرآن همواره خود را کتاب هدایت خوانده و همه جا سخن از ذکر و نور و محتوای هدایت‌گری کتاب خدا است و در هیچ آیه‌ای از آیات کتاب الهی، اشاره و کنایه‌ای به وجود نظم ریاضی در قرآن دیده نمی‌شود. بزرگان دین نیز قرآن را کتاب هدایت و عمل معرفی کرده و از ما خواسته‌اند برخورد ما با قرآن، مانند برخورد بیمار با نسخه پزشک باشد. قرآن نیز خود را بزرگ‌ترین کتاب هدایت و سعادت معرفی می‌کند و از قرآن نیز همین مقدار باید توقع داشت، نه آن که توقع داشته باشیم همه مجهولات حوزه‌های مختلف معارف بشری به کمک قرآن حل شود (ر. ک: پهلوان و شفیعی، ارزیابی و نقد اعجاز عددی قرآن کریم/ ۶۱).

۲. بی‌توجهی به زبان قرآن

قرآن در ارتباط با مردم، از زبان عقلانی جاری و مرسوم بین عقلاء بهره می‌گیرد و بسیار بعید است که خدای حکیم با مخاطبین خود از طریق معما و لغز ارتباط برقرار کند و اگر بخواهد امری را معماگونه بیان کند، معمای او باید به گونه‌ای باشد که تا قیامت معما بماند، چه اگر بشر بتواند چیزی را که مشیت خدا آن را معما خواسته است، کشف کند، نوعی نقض و ضعف برای خداوند خواهد بود. به نظر ما حروف مقطعه قرآن از این مقوله‌اند، یعنی شواهد و قرائن نشان می‌دهد که خداوند می‌خواهد این حروف در قالب رمز و معما باقی بماند (همان / ۶۲).

۳. بررسی گزینشی

اشکال مهمی که بر بسیاری از پژوهش‌ها در اعجاز عددی قرآن وارد است، بررسی گزینشی آیات و واژه‌ها در جهت رسیدن به دیدگاه مطلوب است، به طوری که با نادیده گرفتن برخی الفاظ عملاً به فریفتن مخاطبان خود پرداخته‌اند و نص قرآنی را بر اهداف و مقاصد خود حمل کرده‌اند. نگاهی بر مثال‌های بیان شده از سوی عبدالرزاق نوفل و دیگر طرفداران اعجاز عددی شاهدهی بر این مدعا است.

۴. عدم وجود مبنای روشن و نبود هماهنگی

به روشنی معلوم نیست این قرآن پژوه مصری، پژوهش‌های خود را درباره تناسب الفاظ قرآن بر چه مبنایی سامان داده است، هرچند خود ایشان در مقدمه کتاب «العجاز العددي» به شکلی مبهم، آن را در سه موضوع جای داده است: (موضوعات مثل و مانند؛ موضوعات متقابل و متضاد؛ موضوعات مرتبط) اما اولاً گاه چنین روابطی میان الفاظ وجود ندارد و گاه آمار ارائه شده صحیح نیست. وی پس از تطبیق درست واژه‌های «دنیا و آخرت» و «ملائکه و شیطان» درصدد بر آمده است تا پژوهش‌های خود را درباره دیگر الفاظ کتاب خدا نیز تکرار کند، اما از آن جا که نتایج کار در اغلب موارد دقیق نبوده است، سخنان وی با توجیحات گوناگون همراه شده است تا تئوری «اعجاز عددی» پذیرفتنی جلوه کند (همان / ۶۸).

عبدالرزاق نوفل معتقد است دو واژه «حیات و موت» به طور برابر و هرکدام ۱۴۵ بار در قرآن به کار رفته‌اند. این رقم به هیچ وجه صحیح نیست، زیرا واژه «حیات» و مشتقات آن بیش از ۲۴۰ بار و واژه «موت» و مشتقات آن ۱۶۵ بار تکرار شده است، یعنی حدود ۸۰ مرتبه کمتر از واژه «حیات»، لذا کوشیده است تا این رقم را این گونه توجیه کند: هر جا «حیات» به حیات زمین مرتبط باشد، تکرار آن را به حساب نمی‌آوریم و هر جا به حیات خلق ارتباط داشت آن را با همه مشتقات آن می‌آوریم (ر.ک: نوفل، عبد الرزاق، الاعجاز العددي / ۱۰). سوال این است که بر چه اساسی این تفکیک صورت پذیرفته است.

هم‌چنین ایشان «بعث» را با «صراط» سنجیده و نتیجه می‌گیرد که هر کدام ۴۵ بار به کار رفته‌اند (همان / ۳۱-۳۴)، اما اولاً روشن نیست چرا این دو واژه را انتخاب کرده و مثلاً «بعث» را با «قیامت» یا «حشر» سنجیده است؟ ثانیاً واژه «بعث» و مشتقات آن کم‌تر از ۴۵ مرتبه تکرار شده است، بنابراین نوفل مترادف‌های آن را نیز افزوده است، اما همین کار نیز گزینشی است و مثلاً فعل «يقوم» را برگزیده که دوبار به معنای بعث به کار رفته است در حالی که این فعل با مشتقات آن بارها به معنای بعث به کار رفته و اساساً واژه «قیامت» از همین ریشه است.

نمونه دیگر، دو واژه «اسراف» و «سرعه» است که آن‌ها را در موضوعات متضاد قرار می‌دهد و نتیجه می‌گیرد که هر کدام ۲۳ مرتبه در قرآن تکرار شده‌اند، اما روشن نیست این دو واژه، چه تضادی با هم دارند؟ آیا عبدالرزاق نوفل می‌خواهد بگوید: اسراف توأم با سرعت است؟ یا نباید با سرعت اسراف کرد؟! یا اسراف موجب نابودی سریع می‌شود؟ یا مسرف با سریع‌العقاب طرف خواهد بود؟ به نظر می‌رسد علت انتخاب این دو واژه، نزدیکی ریشه‌های این دو کلمه و ذکر پشت سرهم آن‌ها در ترتیب معجم است!

عبدالرزاق نوفل معتقد است که لفظ «ابلیس» و «استعاذه از ابلیس» هر کدام ۱۱ مرتبه در قرآن به کار رفته است، این در حالی است که لفظ «ابلیس» ۱۱ مرتبه در قرآن آمده، اما «استعاذه» (از باب استفعال) تنها ۴ بار و مجموع کاربردهای این ماده ۱۷ مرتبه است که هیچ کدام با عدد ۱۱ ارتباطی ندارد.

نیز نوفل می‌گوید: دو واژه «الضالون» و «الموتی» هر کدام ۱۷ مرتبه در قرآن آمده (همان / ۱۳۵-۱۳۶). روشن نیست ارتباط گمراهان با مردگان چیست؟ آیا تنها گمراهان می‌میرند، یا مردگان گمراهند؟ نزدیک‌ترین ارتباط مسبوق به ذهن آن است که منظور از مردن، «مرگ معنوی» باشد، اما با بررسی ۱۷ مورد این واژه، در می‌یابیم که تنها ۲ مورد آن مربوط به «مرگ معنوی» است (پهلوان و شفیع، ارزیابی و نقد نظریه اعجاز عددی قرآن کریم، پژوهش‌های قرآن و حدیث، دفتر ۱ / ۷۰).

نتیجه‌گیری

عبدالرزاق نوفل مصری، گرچه کتاب‌های زیادی در مورد قرآن، علم و تفسیر نوشته است، اما به نظر می‌رسد در این راه افراط کرده است.

نوفل یکی از ابعاد اعجاز علمی قرآن کریم را «معجزه عددی» این کتاب آسمانی می‌داند، اگرچه برخی ابعاد کشفیات نوفل در معجزه عددی قرآن قابل پذیرش و منطقی به نظر می‌رسد، ولی در مواردی وی راه افراط را در پیش گرفته و روابطی که نوفل مدعی کشف آن است، چندان قابل پذیرش نیست. در مورد

تناسب تعداد تکرار کلمات قرآن، معیار دقیقی وجود ندارد، چون بعضی کلمات با مشتقات آن حساب شده و بعضی بدون مشتقات مانند: جهنم و جنات. تعداد زیادی از دانشمندان مسلمان [غیر بهایی]، نظم ریاضی قرآن را دنبال کرده‌اند و به نتایج قابل توجهی رسیده‌اند، هر چند که برخی از محاسبات آن‌ها خطا بوده و یا با اعمال سلیقه و ذوق شخصی همراه بوده است. از سخنان طرفین استفاده می‌شود که نظم ریاضی قرآن به صورت موجهه جزئیة مورد پذیرش موافقان و مخالفان اعجاز عددی واقع شده است، اما به صورت موجهه کلیه (یعنی در همه موارد ادعا شده) مورد قبول نیست، اما این مطلب بدان معنا نیست که بگوییم متفکران اسلامی که این سخن را گفته‌اند بهائی یا منحرف بوده‌اند. این گونه برخوردها در مطالب علمی صحیح به نظر نمی‌رسد (رک: رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن کریم، ۱/۲۴۳). نظم ریاضی قرآن (در همان موارد محدودی که وجود دارد و مورد پذیرش طرفین است) یک مطلب شگفت‌انگیز است، چرا که یک فرد امّی و درس ناخوانده در طی ۲۳ سال کتابی با نظم خاص ریاضی آورده است که در حالات روانی مختلف مثل جنگ و صلح و در مکان‌ها و زمان‌های متفاوت آورده شده است (نه مثل یک دانشمند فارغ از همه چیز که در یک کتابخانه با آرامش کتابی منظم را تدوین می‌کند) و مطالبی عالی و همراه با فصاحت و بلاغت در آن وجود دارد. این مطلب خود بسی شگفت‌آور و عجیب است (همان، ۱/۲۴۳).

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. پهلوان، منصور و شریعتی، منصور، «ارزیابی و نقد نظریه اعجاز عددی قرآن کریم»، دو فصلنامه پژوهش‌های قرآن و حدیث، دفتر ۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
۴. جوهر، طلحه، الاعجاز العددی فی سوره الفاتحه؛ سوریه، دمشق، انتشارات الحکمه، ۱۹۹۷م. ۱۴۱۸هـ.
۵. رضایی اصفهانی، محمد علی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن کریم، قم، اسوه، ۱۳۸۳ش.
۶. قطنه، اشرف عبدالرزاق، رسم المصحف و الاعجاز العددی، بیروت، موسسه علوم القرآنی، ۱۹۹۹م ۱۴۲۰ق.
۷. نوفل، عبدالرزاق، الاعجاز العددی للقرآن الکریم، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۸۷م، چ پنجم.
۸. _____، القرآن والعلم الحدیث، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۷۳م.
۹. _____، الدعوه الی الاسلام، الشعب، ۱۹۷۰م.
۱۰. _____، کیف و لماذا؟ بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۸۳م.
۱۱. _____، اسلام و علم جدید، مترجم، حسین وجدانی، تهران، پدیده، ۱۳۴۸ش.
۱۲. _____، قرآن خورشید دانش‌ها، مترجم، سید ابراهیم مکری، تهران، احسان، ۱۳۸۳ش.
۱۳. _____، معجزه اعداد در قرآن کریم، مترجم، سعید همایون، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳ش.
۱۴. _____، معجزه عددی قرآن کریم، مترجم، مصطفی حسینی طباطبائی.